

# مهاجرت، جنسیت و تبعیض

گفت‌وگوی سیلویا کادری روزنامه نگار سوئدی با مهرداد درویش پور ✖

تبعیض جنسیتی باید در بازار کار برجیده شود. تبعیض در همه روابط باید برجیده شود. دگر جنس خواهی اجباری باید به عنوان هنجار به زیر سؤال رود. روابط زوج ها باید بر پایه عشق و مراقبت پایه ریزی شود و توزیع قدرت در خانواده برابر باشد.

## ۱. چرا به پژوهش در باره جنسیت و قومیت میپردازیم؟

من مردی مهاجر تبار از خاورمیانه ام که می کوشد با نوشتن، سخنرانی و بحث در پیشداوری ها حفره ایجاد کند. علیه تبعیض و بی عدالتی در همه اشکال آن مبارزه می کنم. مادرم الهام بخش من در اندیشه های فمینیستی ام بوده است. او طلاق گرفته بود و به تنهایی مرا بزرگ کرد. با آن که تحصیل نکرده بود، اما موفق به تغییر سرنوشت خود گشت. او که الگوی زندگی ام بود موجب شد من به زنان نه همچون قربانیان منفعل بلکه همچون چالشگران فعالی بنگرم که بسیاری از آنان برای فمینیسم، صلح، محیط زیست و علیه نژاد پرستی فعالانه پیکار می کنند.

## ۲. یک پژوهش گر جنسیت و قومیت در مدرسه عالی ملاردالن چه میکند؟

من در پژوهش هایم تمرکز خاصی در جنسیت و قومیت در جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی دارم. مطالب متعددی در باره تم جنسیت، قومیت و خانواده نوشته ام. در گروه های مرجع مطالعات اداره اجتماعی کل کشور شرکت داشته ام. در بررسی های دولتی در باره منابع قدرت زنان همکاری داشته و عهده دار بررسی در باره فرهنگ ناموسی از سوی هیئت برابری دولت در مدارس نیز بودم. در زمینه فرهنگ ناموسی معمولا به من مراجعه می شود. برخی از نوشته هایم درباره برابری زنان و مردان است. از نظریه فمینیسم ضد نژاد پرستانه میان برشی استفاده میکنم که سیستم های قدرت را در حوزه طبقه، جنسیت، قومیت، سن و گرایش جنسی در هم می آمیزد.

## ۳. فمینیسم برای تو چه معنایی دارد؟

قبل از همه برابری زن و مرد. اما فمینیسم پروژه رهایی و آزاد شدن

نیز هست. ما باید الگوهای مردانه امروز را به چالش بکشیم، روابط دمکراتیک با فرزندان را در خانواده تثبیت کنیم. منافع فرزندان باید مبنای تربیت و پرورش باشد. تبعیض جنسیتی باید در بازار کار برچیده شود. تبعیض در همه روابط باید برچیده شود. دگر جنس خواهی اجباری باید به عنوان هنجار به زیر سؤال رود. روابط زوج ها باید بر پایه عشق و مراقبت پایه ریزی شود و توزیع قدرت در خانواده برابر باشد. کار خانگی و مراقبت از کودک نیز باید به گونه ای برابر تقسیم شود و هر دو به یک اندازه در مسائل اقتصادی نفوذ داشته باشند، به گونه ای که هیچ کدام یک سویه وابسته دیگری نشود. حمایت قانونی از زنان باید افزایش یابد و با خشونت مقابله گردد. مجازات جرائم علیه گروه های تحت فشار نظیر زنان و کودکان، اقلیت های قومی و گروه های همجنس گرا باید شدت گیرد.

#### ۴ چگونه سر از سوئد در آوردی؟

من در تهران متولد و بزرگ شدم. از ۱۳ سالگی به بعد به تدریج در محیط های چپ گرا قرار گرفتم و برای تغییر رژیم شاه تلاش کردم. بعد از انقلاب من عضو تحریریه یکی از نشریات بودم. سپس به کردستان رفتم و با کوله باری از تجربه انقلاب و مبارزه علیه دو حکومت به سوئد آمدم.

در دهه ۹۰ به طور جدی به تحصیل پرداختم. در سال ۲۰۰۳ دکترا در جامعه شناسی دکترا گرفتم. البته تاریخ اندیشه و علوم سیاسی نیز خوانده ام.

#### ۵ زن مهاجر تا چه حد در سوئد ادغام شده است؟

به طور عمومی موقعیت زنان از گذشته بهتر شده است در حالی که مردان موقعیت پیشین خود را از دست داده اند. امری که طلاق های بسیاری را در پی داشته است. در خانواده های تحصیل کرده که مردان خود را تطبیق داده اند، زنان از موقعیت نسبتاً برابری برخوردارند. اما "ازدواج های وارداتی" که مردان سوئدی زنان خود را از خارج می آورند، اغلب نابرابر است. بیشترین آمار خشونت در خانواده هایی به چشم می خورد که در آن مردان سوئدی با زنان آسیای جنوب شرقی زندگی می کنند.

#### ۶ از "فمینیسم سفید" خوشتر نمی آید. چرا؟

"فمینیسم سفید" مربوط به آن دسته از زنان غربی است که با زنان

جهان سوم همچون افرادی نابالغ برخورد کرده و در پی "کمک" به خواهران بدبخت خود هستند. حال آن که زنان مهاجر قربانیان منفعل نیستند، بلکه نوعی استراتژی بقا و از پس زندگی برآمدن را رشد داده اند. بسیاری از آنان رل مردان را به چالش کشیده و به تحصیلات عالی روی آورده اند. اما از آن جا که نام و سیمای "مناسب" ندارند، دست یابی به شغل های با کیفیت بالا در رقابت با زنان و مردان سوئدی برایشان دشوارتر است. از این رو ما نیازمند یک سیاست فعال ضد تبعیض و یک فمینیسم ضد نژاد پرست هستیم. ما به جای آن که در پی فعالیت برای زنان مهاجر باشیم، باید همراه با آنان بکوشیم. باید موقعیت آنان را به ریاست و ... ارتقا داد. مجازات علیه تبعیض باید شدت یابد و باید کمک مالی به اورژانس های زنانه کنیم. مسخره است که اورژانس های زنانه که زنانی که بیش از همه تحت فشار هستند به آنها رجوع می کنند، باید داوطلبانه کار کنند.

## ۷ آیا تو خود شخصا تبعیض را تجربه کرده ای؟

در زندگی شخصی مسلما. بیشتر به خاطر چهره "خارجی تبار". یکبار که در خانه تابستانی ام در "نینس هام" در جشن نیمه تابستان شرکت داشتم، یکی از همسایگان نا آشنا از ما پرسید که در آن محله چه می کنیم؟ جواب دادم که خود او آن جا چه می کند؟ او پاسخ داد که آن جا زندگی می کند. گفتم من هم همین طور! او گفت که تا کنون ما را در آنجا ندیده است. جواب دادم من هم همین طور! سپس به او اشاره کردم بهتر آن بود که خود را معرفی کرده و به جای بازجویی به گپ زدن دوستانه می پرداخت. گاهی سخن گفتم به فارسی در رستوران می تواند موجی عصبانیت دیگران شود. همسایه ای در خانه تابستانی دائما مرا آندرش صدا می کند. گویا برای او قابل فهم نیست که چنین فردی با خانه ای در مرکز شهر و با قایق و ماشین می تواند نامش مهرداد باشد! اما از آن جا که من به حقوق خود واقفم، رفتارهای تبعیض آمیز را به هیچ وجه نمی پذیرم. خوشبختانه در محیط کارم تبعیض را تجربه نکرده ام.

شنبه ۱۰ مارس

ترجمه از روزنامه VLT

به نقل از ایران امروز